متن زیر جلسه سوم سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین میرباقری است که در ایام ماه محرم سال 93 در حرم مقدس حضرت معصومه سلام الله علیها به تاریخ 16 آبان ماه 93 برگزار شده است. ایشان در این بحث در ادامه بحث زیبایی های عاشورا اشاره می کنند با تمام اشارات و زیبایی هایی که در عاشورا هست رویت این زیبایی در اوج مصیبت کار هرکسی نیست و اینکه حضرت زینب(س) چنین رویتی دارند مقامی بلند برای ایشان است. ایشان این رویت جمال صنع الهی را نتیجه رسیدن به مقام محبت و رضا دانستند و این مسئله را تبیین و توضیح می دهند.

زیبایی های عاشورا و وجوه جمال صنع الهی

أعوذ بالله من الشیطان الرجیم. الحمدلله رب العالمین. ثم الصلوة و السلام علی سیدنا و مولانا حبیب اله العالمین ابی القاسم محمد صلی الله علیه و علی اهل بیته الطیبین الطاهرین المعصومین. و لعنة الله علی اعدائهم أجمعین. عرض کردیم که وجود مقدس زینب کبری سلام الله علیها در مجلس ابن زیاد در جواب او جمله ای را بیان کردند. در همین روز دوازدهم وقتی ایشان بر ابن زیاد وارد شدند، یکی از جملاتی که ابن زیاد گفت این بود که «کَیْفَ رَاَیْتِ صُنْعَ اللهِ بِاَخیکِ» کار خدا را با برادت چگونه دیدی؟ حضرت فرمودند: «ما رَاَیْتُ اِلاّ جَمیلا»؛ من در کار خدا جز زیبایی ندیدم.

در اینجا دو سؤال مطرح است؛ سؤال اول این است که این بلاء عظیم که در آن سیدالشهداء(ع) و اصحابشان به سخت ترین وجه به شهادت رسیدند و اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به سنگین ترین شکل به اسارت رفتند، خیام حضرت غارت شده، سرهایشان به نیزها رفته و بدن ها زیر اسب رفته است، کجای این صحنه ها زیبا است؟ سؤال دوم اینکه آن چشم پاک و مطهری که می تواند، جمال صنع خدا را در این سخت ترین بلا و در متن این حادثه ببیند، چه ویژگی هایی باید داشته باشد؟

در باب سؤال اول عرض کردیم که حادثه عاشورا سه چهره دارد. یکی چهره کار دشمن است که در زشت ترین شکل ممکن صورت گرفته است. ما گناهی، جرمی، جنایتی در طول تاریخ، معصیت و استکباری بر خدای متعال، شیطنتی بزرگ تر از صحنه عاشورا و کاری که دشمنان نبی اکرم صلی الله علیه وآله و سلم در عاشورا از قبل صحنه چینی کرده بودند و انجام دادند، نداریم. این چهره مستحق لعن و عذاب و برائت و امثال این هاست.

چهره دوم کار حضرت و اصحاب و اهل بیت است که در اوج زیبایی است یعنی بالاتر از بندگی و وفای به عهد، رضای به قضاء الهی، تسلیم بودن به خدا و ولیش که در صحنه عاشورا اتفاق افتاده، نداریم که این هم در اوج زیبایی است. سیدالشهداء(ع) وفاءبالله کردند و راضی به قضاءالله بودند و اصحاب و اهل بیتشان هم به ایشان وفا کردند و این هم در اوج زیبایی اتفاق افتاده است.

چهره سوم عاشورا، تدبیر و ربوبیت خدای متعال است که در متن این حادثه بالاخره جبهه سیدالشهداء(ع) را پرورش داده و ربوبیت کرده و رب العالمین است. از زیباترین چهره های خدای متعال ربوبیت او نسبت به اولیاء خداست. حال در این ربوبیتی که خدای متعال نسبت به سیدالشهداء(ع) داشته است جمال کار کجاست؟

اولین نکته عرض کردیم وفای سیدالشهداء(ع)، عبادت ایشان، رضای ایشان به قضاءالله، صبر و استواری و استقامت و همه صفات حمیده ای که در عاشورا از ایشان تجلی کرده و صادر شده است که همه با عنایت و امداد و توفیق و کمک خدای متعال بوده است. هیچ حسنی از بنده سر نمی زند الا اینکه از خدای متعال شروع می شود و قبل از اینکه انسان یاد خدا کند، خدا یاد بنده می کند.

نکته دوم این بود که خدای متعال بعد از اینکه سیدالشهداء(ع) با امداد و کمک الهی به عهدشان وفا کردند، برای بار دوم خدای متعال وفا کردند و در این وفای عهد، بهترین ضیافت را برای سیدالشهداء(ع) و علی اهل بیته رقم زدند. ضیافتی که احدی جز خود نبی اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیتشان علیهم السلام از متن آن با خبر نیستند، «يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ \* ارْجِعِي إِلَى رَبِّكِ» و دوم اینکه بساط شفاعتی را برای ایشان فراهم کردند که ایشان محور نفوس مطمئنه در عالم هستند. در روایات دیده اید که آیه شریفه «يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ» هم اصلش مربوط به سیدالشهداء(ع) است و بعد همه شیعیان حضرت هم وقتی می خواهند از این دنیا بروند با نفس مطمئن و آرام از دنیا می ورند و به شفاعت حضرت وارد ضیافت می شوند. این شفاعت حضرت هم شفاعت تطهیری برای همه است و هم شفاعت ترفیع درجه و بالا بردن درجات در قرب و توحید برای همه است، بویژه برای اولیاء خاص خدا مثل انبیاء اولوالعزم و ملائکه مقربین و آن ها هم که هر شب جمعه به حرم سیدالشهداء(ع) می آیند، بهره مند می شوند و درجاتشان رفعت پیدا می کند. انبیاء و اولیاء هم که برای سیدالشهداء(ع) گریستند و می گریند، ترفیع درجه پیدا کردند. بنابراین خدای متعال به سیدالشهداء(ع) وفا کرده است و وفای خدای متعال به عبد زیباتر از وفای عبد به خدای متعال است. هر چند کار سیدالشهداء(ع) در اوج بندگی و لطافت و جمال است ولی صنع خدای متعال از کار ایشان زیباتر، لطیف تر و وفای الهی وفایی کامل تر و جامع تر است.

نکته دیگری که در جمال صنع الهی هست این نصرتی است که خدای متعال نسبت به سیدالشهداء(ع) داشته اند و ایشان در این صحنه و درگیری پیروز مطلق این میدان جنگ هستند. ممکن است کسی تلقی کند که در این جنگی که در عاشورا اتفاق افتاد، به حسب ظاهر سیدالشهداء(ع) شکست خوردند ولی صددرصد، ظاهرا و باطنا وجود مقدس ایشان پیروز این میدان جنگ هستند و این نصرت الهی است که این پیروزی قطعی سیدالشهداء(ع) را رقم زده و یاری خدای متعال است.

پیروزی سیدالشهداء(ع) جلوه ای از جمال صنع الهی

اما پیروزی سیدالشهداء(ع) جنبه های متفاوتی دارد و برای اینکه بفهمیم ایشان پیروز بوده اند یا نه؟ چند نکته را باید مورد توجه قرار دهیم. نکته اول اینکه پیروزی و شکست یعنی چه؟ اگر در یک میدانی که میدان نبرد هم نباشد، انسانی که وارد این میدان می شود به هدف خودش برسد و از هدف خودش جا نماند، قطعا پیروز شده است و اگر موانعی سر راه پیش آمد و انسان را از رسیدن به هدف باز داشت، این انسان شکست خورده است. حال آیا وجود مقدس سیدالشهداء(ع) هدفی داشتند که به آن نرسیده باشند؟ یا نه هیچ هدفی نیست که سیدالشهداء(ع) داشته اند الا اینکه به عالی ترین وجه به آن دست پیدا کرده اند؟ قطعا اینطور است. اما هدف اولی که سیدالشهداء(ع) داشتند این بود که با خدای متعال در عالم میثاق عهد بندگی بسته بود. آنجایی که خدای متعال صحنه عاشورا را عرضه کردند کسی که پذیرفت، سیدالشهداء(ع) بودند و از قبل خودشان را برای این صحنه مهیا می کردند و شیطان هم با تمام وجود مترصد بود که کار را به نقطه ای برساند، دشمنان نبی اکرم صلی الله علیه وآله می خواستند کار را به نقطه ای برسانند که این بندگی در نهایت زیبایی اتفاق نیفتد. این تلاش دو طرفه بود، جنگ یا جهاد اعظمی که در حادثه عاشورا اتفاق افتاده همین است یعنی ما یک جهاد اصغر داریم که بنده ای در مقابل صف دشمنان می ایستد، می کشد و کشته می شود که حضرت فرمودند این جهاد اصغر است. یک جهاد اکبر داریم و جهاد اکبر این است که در میدان درگیری باطنی که در عالم هست، یک طرف وجود مقدس نبی اکرم صلی الله علیه وآله هستند و یک طرف ظلمات شیطان است که در این درگیری انسان، مملکت وجود خودش را به نفع نبی اکرم صلی الله علیه وآله فتح و تسلیم ایشان کند که این جهاد اکبر است. مجاهده باطنی ما که حضرت از آن تعبیر به جهاد اکبر کرده اند این است که در حدیث عقل و جهل حضرت توضیح داده اند. در این درگیری که بین شیطان و نبی اکرم صلی الله علیه وآله، بین شیطان انسی و دشمنان نبی اکرم صلی الله علیه وآله با وجود مقدس حضرت هست.

ما باید تلاش کنیم که سرباز نبی اکرم صلی الله علیه وآله باشیم و این جهاد باطنی ما است. اگر ما صفات رذیله را در خودمان سرکوب کردیم و صفات حمیده را در خودمان شکل دادیم و تحلیه (آراسته) به صفات جمیله شدیم، آن وقت ما در این میدان جهاد سرباز نبی اکرم صلی الله علیه وآله می شویم والا اگر صفات رذیله در انسان شکل گرفت، بخل و حسد و حرص و کبر و امثال این ها این سرباز جبهه شیطان می شود. این جهاد اکبر ما است، ما باید تلاش کنیم که در جهاد باطنی در صف نبی اکرم صلی الله علیه وآله و سیدالشهداء(ع) بایستیم. اما جهاد باطنی سیدالشهداء(ع) این نیست بلکه جهادی بسیار فوق العاده است. شیطان دنبال این است که قوای خودش را در عالم گسترش دهد، صفات رذیله را در عالم بسط دهد و سیدالشهداء(ع) می خواهند با قوا و جنود عقل بزنند لشکر شیطان را دور کنند، آن جهاد اعظم و باطنی سیدالشهداء(ع) است. غیر از این جنگی که شما در ظاهر می بینید که یک طرف نفوس خبیثه و رذل با صفات رذیله در مقابل حضرت ایستاده اند و یک طرف تمام صفات و کرامت های اخلاقی و مکارم اخلاقی است و این دو در ظاهر با هم درگیر هستند، در باطن عاشورا همه قوای شیطانی یک طرف هستند و همه قوای رحمانی هم در طرف دیگر هستند. باطن عاشورا صحنه بسیار گسترده و عظیمی است و به همین خاطر است که تمام کائنات و عوالم درگیر هستند، چه جنگ های بزرگی که در عالم اتفاق می افتد و خبری از آن ها نیست، هیچ اتفاق و غلغله ای در عالم ملائکه نمی افتد، اینکه می بینید در عاشورا، عالم ملائکه متلاطم می شود، فوق عالم ملائکه، سماوات، زمین و... را در بیانات معصومین علیهم السلام ملاحظه فرموده اید، این به خاطر این است که میدان جهاد اعظم وجود مقدس سیدالشهداء(ع) بسیار گسترده است و حضرت با همه قوا دارند در مقابل همه قوای شیطانی در عالم می جنگند و شیطان تمام قوای خودش را به میدان آورده است.

در روایات نقل شده است که وقتی ولیّ خدا به دنیا می آید، شیطان او را رصد می کند و فرماندهان خود را جمع می کند و به آن ها می گوید که ولیّ خدا به دنیا آمده است. آن ها می گویند خب چه اتفاقی افتاده است؟ می گوید اگر او به سن رشد برسد همه کار ما را خراب می کند و همه رشته هایمان را پنبه می کند، باید از الان نقشه بکشید. حتی این قدر می فهمد که وقتی می گویند خب کاری ندارد، او یک طفل است و می رویم او را می کشیم. شیطان می گوید این کار صوابی نیست و اگر این کار را بکنید، مهلت خود ما هم به پایان می رسد، ما به تبع ولی خدا روی زمین زنده هستیم. از لحظه اول رصد می کند و همه قوای خودش را حول این ولی خدا متمرکز می کند، لشکر می چیند که این ولی خدا به کار خودش موفق نشود، شیطنت می کند و نقشه هایی از دور می کشد. در داستان موسای کلیم(ع) آمده است که ایشان مخفیانه وارد مصر شد تا یک سری بزند و ببیند اوضاع چگونه است، وضع جبهه سبطیان و قبطیان به تعبیر دیگر فرعونیان و طرفداران حضرت موسی(ع) چگونه است؟ گشت لحظه خاصی را هم انتخاب کرد به تعبیر قرآن «وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينِ غَفْلَةٍ مِنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلاَنِ هذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَ هذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَزَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ قَالَ هذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُضِلٌّ مُبِينٌ»(قصص/15)، وقتی وارد شهر شد موقعی بود که همه مردم غافل بودند و در لحظه غفلت وارد شد که یک جنگ سر راهش درست شد و دید دو نفر با هم درگیر هستند، یک سبطی و یک قبطی، از موسای کلیم کمک خواست ، او موسای کلیم را شناخت و جلو رفت و ایشان همین قدر که به آن دشمن ضربه ای زد او از پا افتاد. موسای کلیم فرمود این کار شیطانی بود، او دشمن آشکار آدم است.

مأمون در مجلسی به امام رضا(ع) عرض کرد، شما معتقدید که انبیاء معصوم هستند، پس این چه حرفی است که موسای کلیم فرموده که هذا من عمل شیطان؟ به بیان قرآن خودش دارد اقرار می کند. حضرت (قریب به این معنا) فرمودند: «هذا من عمل شیطان» معنایش این نیست که ضربه ای که من به دشمن زدم و او را از پا در آوردم، کار شیطانی است؛ او که مستحق قتل بود، او با یک مؤمن درگیر شده بود و داشت مؤمن را از پا در می آورد و این نقشه را شیطان کشید که این دعوا را سر راه من موسی راه انداخت. موسای کلیمی که باید سال ها برود شاگردی شعیب را بکند و انوار تورات را دریافت کند و ید بیضا و عصا و... و با معجزه سراغ فرعون بیاید، نزدیک بود خرج یک سرباز شود یعنی شیطان این گونه ولی خدا را رصد می کند و حریف خود ولیّ خدا نیست ولی نفوس دیگر را تحریک می کند و سر راه ولی خدا قرار می دهد.

شیطان با تمام وجود روز عاشورا در صحنه کربلا آمد تا یک ترک اولی از سیدالشهداء(ع) بگیرد و اگر ایشان یک ترک اولی در بندگی می کرد، کار عالم خراب بود، بساط شفاعت و هدایت به هم می خورد و لذا نتوانست. می خواست نقطه ضعفی از اصحاب و اهل بیت بگیرد ولی سیدالشهداء(ع) به گونه ای این ها را تربیت کرد که نتوانست. پس در بندگی خدای متعال به هیچ وجه موفق نشد که کاری انجام دهد و سیدالشهداء(ع) بندگی را در اوج زیبایی انجام دادند و او تمام توان خود را به کار برد و صددرصد قوای شیطان، شیاطین انس و جن شکست خوردند، صددرصد شکست خوردند نه اینکه یک درصد آن ها پیروز هستند و نودونه درصد سیدالشهداء(ع).

دومین کاری که سیدالشهداء(ع) می خواستند بکنند این بود که واقعا عبادالله را دستگیری کنند، ایشان ابوعبدالله هستند و در این کار هم موفق بودند. صحنه شفاعت سیدالشهداء(ع) یک گوشه اش این صحنه های زیبایی است که ما روز عاشورا می بینیم، یک گوشه اش این میدان مقاومتی است که شما الان در دنیا می بینید که شیعیان سیدالشهداء(ع) در عراق، ایران، لبنان و در سایر دنیا چگونه در مقابل جبهه شیطان ایستاده اند و این یک جلوه از شفاعت سیدالشهداء(ع) است و جلوه ای از امدادی است که خدای متعال نسبت به ایشان کرده است. یک جلوه از امداد سیدالشهداء(ع) این پیروزی باطنی حضرت است که دنبال حکومت ظاهری نبودند که بخواهند به قهر و غلبه یک جایی را بگیرند، این گونه که حکومت بر باطن اتفاق نمی افتد. حضرت می خواستند قلوب به حدی از رشد برسند که آماده شوند و ولایت امام ظهور پیدا کند و ولایت امام را بپذیرند تا با امام رشد کنند. امام می خواستند که عالم بیت النور شود و این البته زمان می برد و از یک مسیر و درگیری طولانی تاریخی عبور می کند. یک جنگ عظیم تاریخی است و سیدالشهداء(ع) این جنگ عظیم تاریخی را اداره کرده اند و هنوز هم ایشان دارند، اداره می کنند و پایان این درگیری هم یکی ظهور است و یکی رجعت که غلبه مطلق جبهه سیدالشهداء(ع) است. هم ظهور و هم رجعت غلبه مطلق جبهه حق است و می دانید در روایات ما سه روز داریم که ایام الله هستند که غلبه حق در آن ها ظهور پیدا می کند، یکی روز ظهور است و یکی رجعت است و دیگری روز قیامت و هر سه روز یوم الحسین است. وقتی ظهور اتفاق می افتد، خدای متعال ظهور امام زمان(ع) و وجود مقدس ایشان را از نسل سیدالشهداء(ع) قرار داده است و بر اساس روایات ظهور ایشان را مزد سیدالشهداء(ع) قرار داده است.

بنابراین درست است که سید الشهداء(ع) آمده در این میدان سختی های عظیم و بار هدایت همه عالم را تحمل کرده ولی آنچه خدای متعال به ایشان عطا کرده است هم در باطن و هم در ظاهر یک پیروزی مطلق است یعنی در باطن شیطان با همه قوایی که به میدان آورده به هیچ وجه نتوانسته است در مقام بندگی یک ضعف و حتی یک ترک اولی بگیرد. چون می دانید گاهی شیطان برای یک نفر نسیمی را می فرستد که کافی است و لازم نیست طوفان بپا کند ولی وقتی نوبت به خوبان و اولیاء می رسد، واقعا طوفان بپا می کند «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ...»(أعراف/201) دور متقین گردباد درست می کند تا این ها را به دام بیندازد. عده ای که متقی نیستند با یک نسیم حرکت می کنند ولی وقتی متقی شدید، شیطان برای انسان گردباد و فتنه های سنگین درست می کند که از آدم یک گناه صغیره یا یک گناه کبیره بگیرد. وقتی به اولیاء خدا می رسد با اینکه می داند آنجا هیچ نصیبی ندارد ولی همه قوای خودش را متمرکز می کند. در روز عاشورا شیطان و شیاطین انسی همه قوای باطنی خودشان را در میدان کارزار آورده بودند و به همین دلیل است که عالم ملائکه فوج فوج اجازه می گرفتند تا برای نصرت سیدالشهداء(ع) بیایند و ایشان به گونه ای بندگی کردند که همه عالم متحیر هستند. در نقلی در کامل الزیارات آمده است: «لَقَدْ عَجِبَتْمِنْصَبْرِکَ مَلآئِکَةُ السَّماواتِ» جبرئیل و میکائیل متعجب هستند که سیدالشهداء(ع) چه می کند. این پیروزی مطلق سیدالشهداء(ع) در جبهه باطن و ظاهر، منتها عرض کردم که ایشان این جنگ را به پایان نبردند که ما بگوییم چه کسی پیروز شد و چه کسی شکست خورد، سیدالشهداء(ع) وسط معرکه هستند و کار ایشان تا رجعت ادامه دارد.

در روایات است که نامه حضرت که از طرف خدای متعال برای هر امامی آمده است، دو بخش داشته که یک بخش را عمل کردند و یک بخش را در رجعت بر می گردند و عمل می کنند. پس سیدالشهداء(ع) پیروز مطلق این میدان هستند و آرام آرام قلوب و ارواح را به سمتی بردند که این ارواح برای درک حقیقت توحید و ولایت آماده شوند تا ظهور و رجعت واقع شود و این اتفاق عظیم بیفتد و این کار را وجود مقدس سیدالشهداء(ع) انجام دادند. پس یکی دیگر از زیبایی های کار خدا این است که خدای متعال سیدالشهداء(ع) را امداد کرده است و قوایی را در اختیار حضرت قرار داده است که حضرت به پیروزی قطعی و مطلق در باطن و ظاهر رسیدند و می رسند؛ باطنا هم شما هیچ شکستی در کار ایشان نمی بینید، دشمن در این روزها تمام تلاش خود را کرده است که کاروان اسرای سیدالشهداء(ع) یک نقطه ضعف از خودشان نشان دهند ولی نتوانستند یک نقطه ضعف از کاروان اسرا بگیرند.

در بعضی نقل ها آمده که وقتی فرمانده لشکر یزید آمده بود و فتوحات و پیروزی ها را گزارش می داد، یزید یک سؤال از او کرد و گفت پس چرا این قدر شکست خورده هستی؟ چقدر چهره ات عبوس و شکست خورده است؟ افسرده هستی؟ گفت از دست این کاروان، ما هر چه توان داشتیم به کار بردیم که این ها یک نقطه ضعف نشان دهند، نقطه ضعفی از این ها صادر نشد، هر چه تازیانه زدیم و هر چه فشار را بیشتر کردیم، این ها با صحنه ها زیباتر برخورد کردند. پس از زیبایی های صنع خدا این است که سیدالشهداء(ع) پیروز مطلق میدان است و هیچ هدفی نیست که در آن حضرت شکست خورده باشد؛ هم در میدان مجاهده باطنی حضرت صددرصد پیروز هستند و هم در میدان مجاهده ظاهری؛ این صحنه های درگیری عظیم و پیروزی های پیاپی جبهه سیدالشهداء(ع) را می بینید که از روزی که حضرت به شهادت رسیدند، چگونه قلوب بوسیله ایشان هدایت می شوند و چگونه دست شیطان از دل اولیاء خدا، از عقل و از قوایشان کوتاه می شود و نمی تواند اولیاء خدا و دوستان اهل بیت و مؤمنین را منحرف کند. هر چه آن ها تلاش می کنند، سیدالشهداء(ع) تلاش آن ها را خنثی می کند.

و این جریان ادامه دارد تا دوره ظهور و رجعت و قیامت که صحنه قیامت، روز غلبه مطلق سیدالشهداء(ع) است که آن غلبه مطلق را شما در تقسیم شدن اهل محشر به دو دسته بهشتی و جهنمی می بینید. همه بهشتی ها آن هایی هستند که شفاعت سیدالشهداء(ع) شامل حالشان شده و همه جهنمی ها آن کسانی هستند که از شفاعت ایشان محروم هستند یعنی جبهه شیطان جهنمی ها و جبهه سیدالشهداء(ع) بهشتی ها هستند. حقیقت پیروزی مطلق سیدالشهداء(ع) در روز قیامت و حتی تمام پیروزی و غلبه ایشان و امداد و نصرتی که خدای متعال برای سیدالشهداء(ع) فراهم کرده اند، معلوم می شود. حتی در دوره ظهور و دوره رجعت هم معلوم نمی شود با اینکه آن روزها روزهای بسیار بزرگی هستند و ایام الله هستند و تحولات عظیمی در عالم اتفاق می افتد و عالم، عالم دیگری می شود «وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»(زمر/69)؛ زمین با تجلی امام نورانی می شود و عالم، عالم دیگری می شود و یک قطعه بهشت می شود ولی در عین حال همه نصرت و پیروزی سیدالشهداء(ع) در ظهور و رجعت هم آشکار نمی شود بلکه اصل پیرزی و غلبه ایشان در قیامت آشکار می شود؛ آنجایی که صفوف بهشتی ها و جهنمی ها از هم جدا می شود و معلوم می شود که پیروز میدان کیست؟ در روایت دارد آنجاست که شیطان نگاه می کند که هر چه آدم خوب هست طرف سیدالشهداء(ع) است و هر چه آدم به درد نخور و آدمی که خیری در او نیست، طرف شیطان است. آدم ها و موجوداتی که در جهنم با همدیگر درگیر هستند، شیطان با آن ها و آن ها با شیطان، حالا منازعات این ها در جهنم را خدای متعال در قرآن بیان کرده است. پس این هم یکی از چهره های جمال کار سیدالشهداء(ع) است و جمال صنع الهی است که خدای متعال پیروزی مطلق را شامل حال ایشان قرار داده است و قطعا حضرت هیچ شکستی حتی در ظاهر نخوردند و نمی خورند «...أَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»(آل عمران/139)، «وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ»(منافقون/8) همه عزت از آن خدا و رسول خدا و مؤمنین است. محال است که امام ذلیل شود و از دشمن شکست بخورد، نصرت الهی نسبت به امام و عزتی که خدای متعال در وجود مقدس امام و جبهه او قرار داده است، موجب غلبه مطلق سیدالشهداء(ع) است.

مشاهده جمال صنع الهی نتیجه مقام محبت و رضا

اما سؤال دوم، زینب کبری سلام الله علیها که در متن و کانون این بلا واقع شده است و در این حادثه مبتلاترین هست و سخت ترین صحنه های ابتلا برای ایشان پیش آمده است، چگونه این جمال را می بینند؟ انسان تا در مقام محبت خدای متعال قرار نگرفته باشد، حجاب ها از جلوی چشم او کنار نمی رود تا بتواند جمال صنع خدا را مشاهده کند. انسانی که در مقام محبت و مقام رضا است به اندازه ای که در مقام محبت و رضا است، حجاب از جلوی چشم دلش کنار می رود و مشاهده جمال می کند و از آن لذت می برد. آن انسان هایی که در اوج محبت خدا هستند، هر چه در عالم نگاه می کنند جز جمال نمی بینند نه اینکه جمال مصنوعی است نه اینکه تلقین است، یک جمال حقیقی است منتها این جمال الهی آن قدر مشاهده اش عظیم هست که تنها قلوبی می توانند زیبایی صنع خدا را، جمال الهی را در فعل و ربوبیتش مشاهده کنند که در مقام محبت و رضا باشند. انسان تا در مقام محبت و رضا قرار نگرفته است، نمی تواند زیبایی کار خدا را در بلا ببیند. لذا ممکن است بر بلا صبر کند و می داند که خدای متعال مهربان است مثلا آدم را بیمار کرده، ده سال صبر می کند و شکایت هم نمی کند ولی زیبایی و جمال صنع خدا را مشاهده نمی کند مگر در مقام رضا باشد. اگر در مقام رضا بود، زیبایی کار خدا را با خودش مشاهده می کند و درک جمال می کند، درک جمال حاصل مقام محبت و رضا است و به اندازه ای که انسان در مقام محبت و رضا رفعت پیدا کند به او اجازه می دهند و حجاب ها را بر می دارند و پرده از جمال صنع خدا برداشته می شود و زیبایی صنع خدا را می بیند. حال یک موقعی حجاب از جلوی چشم انسان کنار می رود و جمال صنع خدا، ربوبیت خدا و لطف خدا را در عالم طبیعت می بیند مثلا رویش گیاهان را که می بیند، غرق در بهجت می شود یا غروب و طلوع خورشید و غروب و طلوع ستارگان را که می بیند و از این دست تدبیر خدای متعال و زیبایی صنع او با همه مخلوقات، غرق در ابتهاج و نشاط می شود. این بهجت هایی برای خوبان و اولیاء خدا است تا آنجایی که حجاب از جلوی چشم انسان کنار برود و بتواند ملکوت و فوق عالم ملائکه را ببیند. آن وقت بتواند جمال صنع خدا را در باطن حادثه عاشورا با سیدالشهداء(ع) ببیند و آن کسی که می تواند در روز عاشورا در گودی قتله گاه باشد و از بالای تل زینبیه گودی قتله گاه را ببیند و در متن دیدن گودی قتله گاه دو جمال مشاهده کند، یکی جمال عبودیت سیدالشهداء(ع) و بالاتر از آن جمال ربوبیت خدای متعال را زینب کبری سلام الله علیها است. مقام خیلی رفیعی را در توحید می خواهد و به هر کسی که نشان نمی دهند. ممکن است حجاب از جلوی چشم آدم کنار برود و ببیند که خدای متعال چقدر این پرنده را زیبا آفریده است و غرق در لذت شود ولی اینکه انسان بتواند روی تل زینبیه بایستد و جمال صنع خدا را در گودی قتله گاه ببیند که آنجا (قتله گاه) فوق عرش است، اینکه مُقبل دارد «اگر غلط نکنم عرش بر زمین افتاد» واقعا هم همینطور است، حضرت فوق عرش هستند.

اگر کسی در باطن، آن اتفاقاتی را که دارد در باطن عاشورا می افتد، مشاهده کند و در مقامات رفیع سیدالشهداء(ع)، بندگی ایشان که فقط بندگی ظاهری در گودی قتله گاه نبود بلکه همه عوالم وجودی سیدالشهداء(ع) روز عاشورا در حال سجده در مقابل خدای متعال بود و به همین دلیل است که همه عوالم درگیر هستند و در همه این عوالم خدای متعال با لطافت و محبتی که فوق محبت سیدالشهداء(ع) به خدا است با او برخورد می کرد، هم سیدالشهداء(ع) ابراز محبت می کرد و هم خدای متعال محبت به ایشان و محبت خدای متعال خیلی لطیف تر از محبت سیدالشهداء(ع) است. آن چشم زیبایی که می تواند در صحنه عاشورا و در متن آن صحنه سنگین، همه عوالم سیدالشهداء(ع) را ببیند و زیبایی صنع خدای متعال را، لطف خدا و محبت خدا به سیدالشهداء(ع) را در همه آن عوالم مشاهده کند، آن زینب کبری سلام الله علیها است و کار من و شما نیست، اوست که می تواند حتی در مجلس ابن زیاد آن صحنه اسارت را وقتی می بیند، سر مطهر سیدالشهداء(ع) را که در تشت مقابل ابن زیاد می بیند در همان صحنه وقتی چهره و ظاهر صحنه کنار می رود، باطن عبادت سیدالشهداء(ع) و اهل بیت و زیبایی بندگی آن ها و مهم تر از آن زیبایی محبت و لطف و دستگیری و عنایت و مرحمت خدای متعال را به سیدالشهداء(ع) و ضیافت حضرت را می بیند. آنچه موجب می شود که زینب کبری سلام الله علیها در مجلس ابن زیاد و درآن صحنه سنگین همین که صحبت از صنع خدا به میان می آید، می فرماید « ما رأیت الا جمیلا» این است که ایشان در مقام محبت و رضای الهی است آن هم در اوج نه در مقام نازل. لذا او حقیقتا در صحنه عاشورا صحنه سوم را هم دیده است. ما و انسان هایی که مثل ما محجوب هستند معمولا آن صحنه دوم را نمی بینیم، وقتی نگاه می کنیم که گیاهی می روید، عوامل طبیعی را می بینم اما هیچ وقت ربوبیت خدای متعال را مشاهده نمی کنیم و خیلی که رشد کنیم آن وقت می توانیم آن زیبایی صنع خدا را که چشم باطنی می خواهد ببینیم. به این سادگی نیست که انسان همین که رویش گل را می بیند، دست محبت خدا را ببیند که دارد گل را پرورش می دهد، در بهار محبت خدا را ببیند و در پاییز هم محبت خدا را ببیند. حالا ببینید چه کسی را می توانند در صحنه عاشورا راه بدهند و بعد هم از جلوی چشمش حجاب را کنار بزنند و در پشت صحنه عاشورا یعنی لطف حضرت حق، دست تدبیر حضرت حق و ربوبیت حضرت حق را در اوج جمال مشاهده کند و بفرماید «ما رأیت الا جمیلا». این مقام وجود مقدس حضرت زینب کبری سلام الله علیها است که هم در بلا راهش دادند و هم جمال بلا را به ایشان ارائه کردند و در مقامی از توحید هستند که می توانند آن صحنه های زیبایی ربوبیت و صنع خدای متعال را با سیدالشهداء(ع) مشاهده کنند نه با ملائکه، نه با عالم طبیعت و نه با مؤمنین. این کار خود زینب کبری سلام الله علیها است که مستغرق در توحید است و اینطور نیست که به تعبیر بزرگان متمکن از توحید باشد بلکه همیشه در مقام توجه به خدای متعال و در مقام قرب است و لذا در همه احوال و در سخت ترین حالات هم می تواند دست محبت خدا و لطف او و عنایت خدای متعال را همراه با خودش و با همه عالم مشاهده کند